

Civil Liability for Environmental Damage

*Hossein Houshmand Firozabadi¹, Zahra Lotfi²,
Zohreh Bahrami³, Razieh Saiani⁴*

Abstract

Protecting nature and preserving its health is emphasized by different religions and human mind. Enjoying a healthy environment is a fundamental human right. Any damage to the environment requires compensation of damages incurred, which is within the scope of civil liability. The key question here is what is the nature of civil liability for environmental damage? How does choosing the right nature affect adopting the right basis for civil liability for environmental damage and its effects?

In this descriptive-analytical paper, the combined nature of public and private law has been considered for civil liability resulting from environmental damage. In terms of government's supervision role in manufacturing and industrial activities and its ability to sue people who incur damage to the environment, this responsibility is subject to public law and in terms of the possibility of compensation claim where a human, besides nature, has been damaged (in accordance with the general rules of civil liability) this liability is subject to private law.

By choosing this trend, principles such as doctrine (theory) of fault or theory of risk as the basis of civil liability for environmental damages appear to be incompatible with the said compositional nature. The accepted jurisprudential basis to guarantee the right of the damaged (nature or human) is "respect" theory. The theory of "Strict liability" is also legally acceptable

1. Assistant Professor, Law Department, Research Institute of Hawzeh and University, Qom, Iran. (Corresponding author) Email: h.houshmand@chmail.ir

2. Graduated of Master, Law Private, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

3. Attorney Intern at the Judiciary Lawyer' Scenter & Graduated of Master. Fehgh & Law Private, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

4. Graduated of Master, Law Private, Ayatollah Boroujerdi University, Boroujerd, Iran.

regarding the role of deleterious person and difficulty of proving fault and with regard to the characteristics of environmental damage.

In what follows, given this compositional nature and mixed basis, compensation methods and competent court procedures have been elaborated to file an action of civil liability against environmental damages.

Keywords

Civil Liability, Environmental Damage, Environmental Law, Environmental Pollution

Please cite this article as: Houshmand Firozabadi H, Lotfi Z, Bahrami Z, Saiani R. Civil Liability for Environmental Damage. Iran J Med Law 2020; 14(54): 183-213.

مسئولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی

حسین هوشمند فیروزآبادی^۱

زهرا لطفی^۲

زهرا بهرامی^۳

راضیه سیانی^۴

چکیده

حفاظت از طبیعت و حفظ سلامت آن مورد تأکید ادیان و عقل بشری بوده و برخورداری از محیط زیست سالم از حقوق بنیادین بشر محسوب می‌شود و ایراد هرگونه خسارت بر محیط زیست لزوم جبران خسارات وارده را ایجاب می‌نماید که این امر بر عهده حوزه مسئولیت مدنی است. پرسش اساسی در این زمینه این است که مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست چه ماهیتی دارد؟ و انتخاب ماهیت صحیح چه تأثیری بر اتخاذ مبنای صحیح مسئولیت مدنی برای جبران خسارات زیست‌محیطی و آثار آن در پی دارد؟

در این نوشتار به شیوه تحلیلی - توصیفی، ماهیت ترکیبی تابعیت حقوق عمومی و حقوق خصوصی برای مسئولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در نظر گرفته شده است و از جهت نقش نظارتی دولت نسبت به فعالیت‌های تولیدی و صنعتی و امکان شکایتش از مخربان محیط زیست، این مسئولیت تابع حقوق عمومی و از جهت امکان مطالبه خسارت در جایی که زیان دیده علاوه بر طبیعت، یک انسان است (مطابق قواعد عام مسئولیت مدنی). این مسئولیت تابع حقوق خصوصی قرار گرفته است و با

۱. استادیار گروه حقوق پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم، ایران. (نویسنده مسؤل)

Email: h.houshmand@chmail.ir

۲. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آیتا... بروجردی (ره)، بروجرد، ایران.

۳. کارآموز وکالت مرکز وکلای قوه قضاییه و کارشناسی ارشد فقه و حقوق خصوصی دانشگاه آیتا... بروجردی (ره)، بروجردی، ایران.

۴. کارشناسی ارشد حقوق خصوصی دانشگاه آیتا... بروجردی (ره)، بروجردی، ایران.

انتخاب این ماهیت، مبنای مانند تقصیر یا ایجاد خطر به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی ناسازگار با این ماهیت دانسته شده و مبنای فقهی مورد قبول از جهت تضمین حق زیان‌دیده (طبیعت یا انسان) نظریه «احترام» و از حیث توجه به نقش زیان‌رساننده و دشواری اثبات تقصیر و با توجه به ویژگی‌های خسارات زیست‌محیطی نظریه «مسؤولیت محض» که یک نظریه حقوقی می‌باشد، در نظر گرفته شده است و با توجه به این ماهیت ترکیبی و مبنای مختلط، شیوه‌های جبران خسارت و دادگاه صالح جهت اقامه دعوای مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی تبیین گردیده‌اند.

واژگان کلیدی

مسؤولیت مدنی، خسارات زیست‌محیطی، حقوق محیط زیست، آلودگی زیست‌محیطی

مقدمه

محیط زیست با ابعاد مختلفی که دارد، هدیه خداوند است و شامل کوه‌ها، جنگل‌ها، مراتع، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها و... می‌گردد که حفاظت از آن نه تنها مورد تأکید عقلی جمعی انسان‌های خردمند است که مورد تأکید ادیان مختلف نیز قرار گرفته است.

افزایش ریزگردها، شکار حیوانات در حال انقراض، تخریب جنگل‌ها برای استفاده از چوب درختان یا ساختمان‌سازی، آلودگی هوا با کارخانجات و اتومبیل‌های دودزا، دفن زباله‌ها و ورود پساب‌ها به رودخانه‌ها، افزایش گازهای گلخانه‌ای و سوراخ شدن لایه ازن همه و همه موضوعات مورد توجه بشریت در سال‌های اخیر در حفاظت از محیط زیست است. این مسأله امروزه به قدری اهمیت یافته که عدم رعایت یک استاندارد مرتبط با حفاظت محیط زیست چه بسا ممکن است سلامتی، طول عمر و حیات کل انسان‌های کره زمین را متأثر سازد.

در سیاست‌های مربوط به محیط زیست یکی از شیوه‌های مهم و مؤثر در جلوگیری از تخریب و آلودگی محیط زیست، استفاده از اهرم حقوقی است و از جمله شیوه‌های استفاده از این اهرم، مسؤولیت مدنی قائل شدن برای آلوده‌کنندگان و مخربان محیط زیست است.

مطابق اصل پنجاهم قانون اساسی جمهوری اسلامی: «حفاظت محیط زیست که نسل امروز و نسل‌های بعد باید در آن حیات رو به رشدی داشته باشند، وظیفه عمومی تلقی می‌گردد. از این رو فعالیت‌های اقتصادی و غیر آنکه با آلودگی محیط زیست یا تخریب غیر قابل جبران آن ملازمه پیدا کند، ممنوع است.»

قوانین تصویب شده در پاسداری و مراقب از محیط زیست متعدد و فراوان است و قانونگذار، هرچند بسیار پراکنده، اما سعی نموده است تمام ابعاد حقوق محیط زیست را مد نظر قرار دهد و با ممنوعیت تخریب محیط زیست و منابع طبیعی به صورت کلی، به حفظ پاکیزگی آب و جلوگیری از آلودگی آن، جلوگیری از آلودگی خاک و آلودگی هوا، جلوگیری از آلودگی‌های شیمیایی و آلاینده‌های هسته‌ای و بحث ممنوعیت شکار و صید به صورت غیر مجاز اهتمام ورزیده است.

قوانینی مانند قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع مصوب ۱۳۴۶، قانون ممنوعیت ایجاد تأسیسات و کارگاه‌های مضر بهداشت و آسایش در شهرها و حومه مصوب ۱۳۲۸، قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳، قانون حفاظت از دریاها و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی

مصوب ۱۳۵۴، قانون حفاظت و بهره‌برداری از منابع آبی جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۷۴، قانون مناطق دریایی جمهوری اسلامی ایران در خلیج فارس و دریای عمان مصوب ۱۳۷۲، قانون توزیع عادلانه آب مصوب ۱۳۶۱، قانون آب و نحوه ملی شدن آب مصوب ۱۳۴۷، قانون حفظ و گسترش فضای سبز در شهرها مصوب ۱۳۷۱، قانون اراضی مستحدث ساحل مصوب ۱۳۵۴، قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴، قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶، قانون حفاظت در برابر اشعه مصوب ۱۳۶۸، قانون شکار و صید مصوب ۱۳۴۶ و اصلاحات ۱۳۷۵ این اهتمام قانونگذار را نمایان می‌سازند.

پیرامون موضوع مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست، هرچند تاکنون مقالاتی به رشته تحریر درآمده است که در خلال این مقاله به آن‌ها اشاره شده است، اما پرسش اساسی که مقاله پیش رو درصدد پاسخگویی بدان می‌باشد، این است که ماهیت مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست در حقوق اسلام و ایران چیست و این ماهیت چه تأثیری در انتخاب مبنای این مسؤولیت دارد؟ در پاسخ به این پرسش سعی شده است با اهتمام به قوانین متعدد مرتبط با محیط زیست و احکام فقهی مستنبط از منابع حقوق اسلام ماهیت و مبنای صحیح شناسایی گردد و تأثیر مبنای مورد پذیرش بر آثار مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست نیز نمایان گردد.

لازم به تذکر است که این مقاله در حیطه حقوق داخلی مطرح می‌گردد، چراکه واضح است امکان دارد خسارت زیست‌محیطی محدود به یک کشور خاص نشود و به سایر کشورها نیز تسری یابد، مانند آلودگی رودخانه‌ای مانند فرات که در چند کشور جریان دارد یا آلودگی دریا که صیدگاه کشورهای مختلف است یا انجام عملیاتی که در تولید ریزگردها در چند کشور مؤثر باشد که در این خصوص اگر یک فرد زبان‌رساننده باشد و یک خسارت بین‌المللی ایجاد کند مسأله تعارض قوانین پیش آمده و در حیطه حقوق بین‌الملل خصوصی قرار می‌گیرد و اگر مسؤولیت دولت‌ها مطرح باشد، بحث در این خصوص در حیطه حقوق عمومی بین‌الملل و وظایف دولت‌ها در قبال آلودگی‌های فرامرزی و تغییرات آب و هوایی مطرح می‌گردد که در نوشتار این مباحث دنبال نمی‌گردد.

در ادامه پس از مفهوم‌شناسی نسبت به اصطلاحات مرتبط با بحث، به ترتیب ماهیت مسؤولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی، مبنای این مسؤولیت و سپس تطبیق ارکان مسؤولیت مدنی در این مسؤولیت خاص و در انتها به بررسی آثار این مسؤولیت می‌پردازیم.

مفهوم محیط زیست، آلودگی محیط زیست و خسارات زیست محیطی

۱- محیط زیست

عبارت «محیط زیست» از دو واژه «محیط» و «زیست» ترکیب شده است. محیط کلمه‌ای عربی و اسم فاعل است از باب افعال که ریشه آن «حوط» است و به معنای احاطه‌کننده و دربرگیرنده می‌باشد (۱). زیست کلمه‌ای فارسی است و به معنای زندگی و حیات می‌باشد و ترکیب «محیط زیست» به معنای محل زندگی و محل سکنا و نیز آنچه زندگی را دربر گرفته می‌باشد (۲).

به عبارت دیگر، محیط زیست مجموعه‌ای از عوامل طبیعی و انسانی و عناصری که به طور متقابلی با یکدیگر مرتبط بوده و بر تعادل زیستی و کیفیت حیات، سلامتی بشر، میراث فرهنگی و تاریخی و چشم‌انداز اثر می‌گذارد، تعریف شده است (۳). همچنین در تعریف دیگری محیط زیست هدیه الهی دانسته شده که از مجموع منابع، موجودات، علل و شرایط هماهنگی که گرداگرد هر موجود زنده وجود دارد و استمرار زندگی و حیات وابسته به آن است، تشکیل می‌شود (۴). علمای محیط زیست آن را شامل محیط طبیعی و محیط مصنوعی یا انسان ساخت دانسته‌اند. محیط طبیعی آن بخش از محیط زیست است که در تشکیل آن بشر هیچ نقشی ندارد، بلکه موهبت الهی است و شامل جنگل‌ها، مراتع، کوه‌ها، دشت‌ها، رودخانه‌ها، دریاها، باتلاق‌ها و... می‌گردد و عوامل تشکیل‌دهنده آن محیط زیست طبیعی شامل عوامل جاندار (گیاهان و جانوران، و عوامل بی‌جان (خاک، آب و هوا) می‌گردد. محیط زیست انسان ساخت یا مصنوعی به آن بخش از محیط زیست اطلاق می‌گردد که به دست بشر ساخته شده و زاینده تفکر و مخلوق دست آدمی می‌باشد (۵).

«محیط زیست» در حقوق، هرچند در بسیاری از مصادیق همان «انفال» در فقه است، انفال در فقه امامیه عبارت است از اموالی که در اختیار پیامبر (ص) و پس از او در اختیار امامان معصوم (ع) و زمان غیبت در اختیار حکومت اسلامی قرار می‌گیرد و آنان هر طور صلاح بدانند مصرف می‌کنند. این اموال ملک شخصی وجود مقدس معصومین (ع) و حاکم اسلامی نیست تا پس از فوتشان به فرزندانشان به ارث برسد، بلکه در اختیار آنان است تا برای مصالح عمومی مسلمانان مصرف شود. مطابق اصل ۴۵ قانون اساسی: «انفال و ثروت‌های عمومی از قبیل زمین‌های موات یا رهاشده، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها،

دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌های طبیعی، مراتعی که حریم نیست، ارث بدون وارث و اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی که از غاصبین مسترد می‌شود، در اختیار حکومت اسلامی است تا بر طبق مصالح عامه نسبت به آن‌ها عمل نماید، تفصیل و ترتیب استفاده از هر یک را قانون معین می‌کند»، اما با توجه به مصادیق انفال مشخص می‌گردد که انفال اعم از محیط زیست است. مصادیق انفال عبارتند از: زمین‌های موات، معادن، دریاها، دریاچه‌ها، رودخانه‌ها و سایر آب‌های عمومی، کوه‌ها، دره‌ها، جنگل‌ها، نزارها، بیشه‌ها، مراتع، ارث بدون وارث، اموال مجهول‌المالک و اموال عمومی مستردشده از غاصبان (۶). بدیهی است که برخی مصادیق انفال مانند اموال مجهول‌المالک یا ارث بدون وارث جزء محیط زیست نمی‌باشند.

۲- آلودگی محیط زیست

هرگونه تغییر در ویژگی‌های هوا، آب، خاک و مواد غذایی که اثر نامطلوب بر سلامت محیط زیست، فعالیت‌های بشر و سایر جانداران داشته باشد، آلودگی نامیده شده است (۷). در حقوق ایران ماده ۹ قانون حفاظت و به‌سازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ و اصلاحیه ۱۳۷۱ آلودگی محیط زیست را چنین تعریف کرده است: «منظور از آلوده‌ساختن محیط زیست عبارت است از پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا، خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی یا بیولوژیکی آن را به طوری که زیان‌آور به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار و ابنیه باشد، تغییر دهد.» در این ماده محیط در مبنای بیوسفر که اعم از محیط هوا، خشکی و آب است، در نظر گرفته شده است (۸) و مطابق ماده هر تغییری در محیط زیست آلودگی محسوب نمی‌شود، بلکه صرفاً تغییری که برای موجودات و ابنیه مضر باشد، ذیل ماده قرار می‌گیرد. همچنین در تبصره ۲ ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ (تعزیرات و مجازات‌های بازدارنده) آلودگی محیط زیست این‌گونه تعریف شده است: «پخش یا آمیختن مواد خارجی به آب یا هوا یا خاک یا زمین به میزانی که کیفیت فیزیکی، شیمیایی یا بیولوژیک آن را به طوری که به حال انسان یا سایر موجودات زنده یا گیاهان یا آثار یا ابنیه مضر باشد، تغییر دهد» و به صورت خاص ماده ۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ در خصوص آلودگی هوا مقرر داشته: «آلودگی هوا عبارت است از انتشار یک یا چند آلاینده اعم از آلاینده‌های جامد، مایع، گاز، پرتوهای یون‌ساز و غیر یون‌ساز، بو و صدا در هوای آزاد، به صورت طبیعی یا انسان‌ساخت، به مقدار و مدتی که کیفیت هوا را به گونه‌ای تغییر دهد که برای سلامت انسان و موجودات زنده،

فرآیندهای بوم‌شناختی (اکولوژیکی) یا آثار و ابنیه زیان‌آور بوده و یا سبب از بین رفتن یا کاهش سطح رفاه عمومی گردد.»

از نکات قابل توجه در شناسایی آلودگی و تخریب محیط زیست ایجاد تمایز میان منابع آلاینده انسانی و منابع آلاینده طبیعی است که باعث می‌شود آلاینده‌های طبیعی مانند آتشفشان به عنوان آلوده‌کننده محیط زیست تلقی نگردد (۷).

۲- خسارت زیست‌محیطی

واژه «خسارت» به مالی که باید از طرف کسی که باعث ایراد ضرر مادی به دیگری شده به متضرر داده شود. همچنین گاهی به زیان وارد شده بر شخص تعریف گردیده است (۹). مسأله اصلی در خسارت زیست‌محیطی این است که قربانی چنین خسارتی چه کسی است؟ انسان یا محیط زیست؟ به عبارت دیگر آیا به دنبال جبران خسارتی که به اشخاص و اشیا از طریق محیط زیستی که در آن زندگی می‌کنند، هستیم و یا خسارتی که مستقیماً بر خود محیط زیست وارد می‌شود، بدون توجه به آثار غیر مستقیمی که بر انسان‌ها وارد می‌شود نیز قابل مطالبه است؟ مثلاً چنانچه کسی وسط دریا ماده شیمیایی آلوده‌ای ریخت یا در بیابانی شاخه تک‌درختی را شکست آیا این خسارت نیز قابل مطالبه است؟

در خصوص «خسارت زیست‌محیطی» سه دیدگاه طرح شده است (۱۰): ۱- مطابق دیدگاه اول خسارت زیست‌محیطی عبارت از خسارتی است به اشخاص یا اشیا یا محیط پیرامون زندگی انسان وارد می‌شود، در این دیدگاه انسان قربانی خسارت زیست‌محیطی قرار داده شده است؛ ۲- مطابق دیدگاه دوم خسارت به اشیا و محیط زیست نیز خسارت زیست‌محیطی محسوب می‌شود و آلودگی آب و خاک و هوا نیز مشمول تعریف قرار می‌گیرد، در این دیدگاه قربانی مستقیم خسارت زیست‌محیطی، طبیعت و محیط پیرامونی انسان است، گرچه ممکن است به صورت غیر مستقیم انسان‌ها نیز دچار آسیب و خسارت گردند؛ ۳- در دیدگاه سوم خسارت‌های زیست‌محیطی شامل خسارات وارده به اموال و انسان‌ها و خسارت به خود محیط زیست است و قربانی خسارت هم انسان و هم محیط پیرامون و طبیعت می‌توانند باشند.

اهمیت محیط زیست در نظام حقوقی اسلام

در حقوق اسلام از بین بردن اموال عمومی مسلمانان، مانند زمین‌های «مفتوحة عنوة» که در جنگ و مانند آن نصیب مسلمانان می‌شود و تصرف در این اموال حرام و موجب ضمان است (۱۱). انتفاع و بهره‌برداری از اموال عمومی از جانب فقها منوط به رعایت میزان عرفی این اموال دانسته شده و زیاده‌روی به نحو غیر متعارف علاوه بر این که برای شخص حکم تکلیفی حرمت دارد واجد حکم وضعی ضمان نیز می‌باشد (۱۲).

حقوق اسلام ضمن حمایت از جان، مال، آبرو و تمام حقوق انسان‌ها و همچنین حقوق دیگر عناصر طبیعت، همه را به رعایت این حقوق مکلف کرده است، یعنی افزون بر حکم تکلیفی و حرمت ضرر رسانیدن، به ثبوت اعتباری زیان‌های وارده بر عهده زیان‌رساننده نیز حکم کرده است (۱۳).

در آیات متعدد قرآن به حفاظت از محیط زیست و عدم افساد در آن تأکید شده است. برخی تعداد آیات متضمن محیط زیست را بیش از ۱۹۸ آیه دانسته‌اند (۱۴). در آیه ۸۵ سوره اعراف از ایجاد فساد بر زمین بعد از نظم و اصلاح آن نهی می‌فرماید «لاتفسدوا فی الارض بعد اصلاحها» که بنا بر نظر برخی از مفسران تخریب محیط زیست از مصادیق بارز فسادانگیزی بر روی زمین است (۱۵) و فسادهای خشکی و دریا را در آیه ۴۱ سوره روم به خاطر کارهای ناشایسته‌ای که مردم انجام می‌دهند، دانسته است: «ظهر الفساد فی البر و البحر بما کسبت ایدی الناس» علامه طباطبائی در خصوص این دو آیه می‌فرماید: «ظاهر دو آیه عام بوده و تمام انواع فساد که نظام بشری و کره زمین را تهدید می‌کند را شامل می‌شود» تخریب نسل و زراعت از منظر قرآن کریم کار افراد ظالم است و این اعمال مورد مغبوضیت الهی واقع گردیده و از آن‌ها نهی شده است. در آیه ۲۰۵ سوره بقره می‌فرماید: «و اذا تولى سعى فی الارض لفسد فیها و یهلك الحرث و النسل و الله لایحب الفساد؛ چون از نزد تو بازگردد در زمین فساد کند و کشتزارها و دام‌ها را نابود سازد و خداوند فساد را دوست ندارد.»

اهتمام به حفاظت از محیط زیست در اسلام به اندازه ای است که مطابق روایتی از رسول خدا (ص) «مَا مِنْ مُسْلِمٍ یَغْرِسُ غَرْسًا أَوْ یَزْرَعُ زَرْعًا فَمَا کُلُّ مِنْهُ إِنْسَانٌ أَوْ طَیْرٌ أَوْ بَهِیمَةٌ إِلَّا کَانَتْ لَهُ بِهِ صَدَقَةٌ؛ مسلمانی که درختی بکارد یا زراعتی را تولید کند و بدین شکل به مردم سود برساند، این

عملش برای او صدقه جاریه محسوب شده که حتی بعد از فوتش هم به عنوان باقیات صالحات، ثوابش نصیب او می‌گردد» (۱۶).

در خصوص از بین نبردن حیوانات و شکار آن‌ها به قصد تفریح روایاتی از جانب معصومین (ع) صادر شده است، مانند این روایت که از امام صادق (ع) سؤال می‌شود از شخصی که برای شکار از منزل خارج شده است «...هَلْ يَقْضُرُ مِنْ صَلَاتِهِ أَمْ لَا يَقْضُرُ قَالَ إِنَّمَا خَرَجَ فِي لَهْوٍ لَا يَقْضُرُ» که حضرت می‌فرمایند اگر سفر وی برای شکار از روی لهو باشد، نمازش شکسته است (۱۷). مطابق این روایات از نظر فقهی شکار تفریحی فعلی حرام تلقی شده و به دلیل حرام بودن سفر، شکارچی باید نمازش را کامل بخواند، این در حالی است که قاعده کلی شکسته بودن نماز مسافر است و حرمت سفر حکم را تغییر داده است (۱۸).

مطابق روایتی از امام صادق (ع) در کتاب شریف تحف العقول «لاتطیب السکنی الا بثلاث: الهواء الطیب و الماء الغزیر العذب و الارض الخواره؛ خوشایندی زندگی و محل سکونت منوط به اجتماع سه مورد هوای پاک، آب فراوان و گوارا و زمین آماده زراعت شده است» (۱۹).

مطابق برخی روایات بریدن درختان، پرتاب آتش و بازکردن آب به سوی دشمن مورد نهی واقع شده است. به عنوان نمونه امام صادق (ع) می‌فرمایند: «لاتقطعوا الثمار فیصّب الله علیکم العذاب صبّاً» (۱۷) یا در روایت دیگری وجود نبی اکرم (ص) فرموده‌اند: «لاتغدروا و لا تغلوا... و لاتحرقوا النخل و لاتغرقوه بالماء، و لاتقطعوا شجرة مثمرة، و لاتحرقوا زرعاً...» (۱۷) و فقها مطابق این روایات قائل شده‌اند که نابود کردن کشتزارها و قطع درختان و یا صدمه زدن به آن‌ها نه تنها در حالت اولیه حرام دانسته شده که حتی در زمان جنگ نیز تنها در صورت اضطرار که چاره‌ای نباشد، مجاز دانسته شده است (۲۰) و کشتن حیوانات بدتر از آسیب به درختان دانسته شده است (۲۱) و دیه جنایت بر حیوان مقرر شده (۲۲) و برای تخریب اموال عمومی ضمان در نظر گرفته شده است (۲۳).

ماهیت مسؤولیت ناشی از خسارات زیست‌محیطی

با توجه به زیان‌دیده خسارات زیست‌محیطی (که می‌تواند یک شخص حقیقی یا حقوقی و یا خود طبیعت باشد) این بحث در خصوص ماهیت مسؤولیت زیست‌محیطی مطرح می‌شود که آیا مسؤولیت در قبال چنین خساراتی تابع نظام مسؤولیت مدنی در حقوق خصوصی است یا

تابع قواعد مسؤولیت در حقوق عمومی می‌باشد؟ یا از این فراتر با توجه به نقشی که محیط زیست هر کشور در کل جهان و برای کشورها دارد، تابع قواعد مسؤولیت در حقوق بین‌الملل عمومی است و نظم عمومی بین‌المللی باید حافظ آن باشد.

بدیهی است تابعیت این مسأله ذیل حقوق عمومی بیشتر منافع جامعه را محافظت خواهد نمود، در حالی که تابعیت ذیل حقوق خصوصی حافظ منافع اشخاص خواهد بود (۲۳). همچنین در حقوق عمومی مبنای مسؤولیت مدنی عمدتاً مسؤولیت محض است، اما در حقوق خصوصی غالب کشورها مسؤولیت را مبتنی بر تقصیر می‌دانند و نیز حقوق عمومی به پیشگیری قبل از بروز خسارت بیشتر اهتمام دارد، در حالی که در حقوق خصوصی بحث پسینی جبران خسارت زیان‌دیده و بازگرداندن وضعیت وی به حالت سابق مطرح است (۲۴).

تعیین ماهیت مسؤولیت به این مسأله مربوط است که ما در مسأله حقوق محیط زیست رویکرد طبیعت محور داشته باشیم یا رویکرد انسان‌محور. در رویکرد انسان محور هدف غایی حمایت از محیط زیست، شخص انسان و منافع اوست. تنها انسان است که ارزش دارد و محیط زیست ابزاری جهت زندگی بهتر انسان است تا انسان بتواند با پاکسازی آن در یک محیط سالم رشد کند و محیط او از آفات و آلودگی‌ها و خسارت‌ها حفظ شود (۲۵). با پذیرش این نگاه مسؤولیت در قبال چنین خساراتی تابع نظام مسؤولیت مدنی در حقوق خصوصی خواهد بود تا منافع انسان زیان‌دیده از خسارت زیست‌محیطی حفظ گردد. در مقابل رویکرد دیگری که وجود دارد، رویکرد طبیعت‌محور است که برای محیط زیست ارزش ذاتی قائل است و مطابق آن طبیعت فی‌نفسه ارزشمند است و انسان و منافع وی در این رویکرد مطرح نیست و نگاه ابرازی به طبیعت مذموم است (۲۶). انتخاب این رویکرد موضوع را بیشتر تابع حقوق عمومی قرار می‌دهد تا دولت‌ها به عنوان حافظ طبیعت وارد میدان شوند و حامی محیط زیست باشند.

با کنارگذاشتن نظریه سوم (یعنی تابعیت مسؤولیت محیط زیست ذیل حقوق بین‌الملل عمومی به دلیل ناکارآمدی نظام بین‌الملل جهت ایجاد نظم جهانی و فقدان ضمانت اجرای کافی در این خصوص که توضیح آن مجال دیگری را می‌طلبد) در پاسخ به این سؤال مبنایی می‌توان قائل به ماهیت دوگانه مسؤولیت در قبال محیط زیست گردید.

توضیح این‌که در حقوق اسلام، گرچه انسان به عنوان خلیفه الهی بالاترین مرتبه ارزشمندی را میان سایر مخلوقات دارد، اما طبیعت نیز فی‌نفسه دارای احترام و ارزش است و به انسان

توصیه شده، حافظ آن باشد و جانب تعادل را رعایت نماید. آیاتی مانند آیه ۵۶ سوره اعراف که می‌فرماید: «و لا تفسدوا فی الارض فعد اصلاحها؛ در زمین پس از اصلاح آن فساد و تباهی نکنید» یا روایاتی مانند «اتقوا الله فی عبادته و بلاهه فانکم مسؤولون حتی فی البقاع و البهائم؛ تقوا پیشه کنید درباره بندگان خدا و مکان‌هایشان زیرا در قیامت از همه چیز حتی در مورد اماکن و حیوانات مورد سؤال قرار خواهید گرفت» (۲۷)، بیانگر این امرند که انسان نمی‌تواند صرفاً نگرش ابزاری به طبیعت داشته باشد و فقط منافع خود را در نظر بگیرد و همان‌گونه که گذشت ضرورت این تعادل میان حقوق انسان و طبیعت در فتاوی فقها ظاهر گشته است، از جمله این‌که شکار برای رفع نیاز و جهت ارتزاق صیاد مجاز دانسته شده و مسافرت جهت چنین شکاری مطابق قاعده کلی شکسته است، اما شکار تفریحی که نمودار نگاه ابزاری به محیط زیست است هم فعل حرام دانسته شده و هم نماز در سفر برای چنین شکاری را برخلاف قاعده کلی از حالت قصر به تمام مبدل می‌سازد.

این نگرش ترکیبی در قوانین نیز به خوبی منعکس شده است. از طرفی دولت جهت حفظ محیط زیست و به عنوان حافظ حقوق عمومی وظائف و اختیاراتی دارد. مطابق ماده ۱۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ هرگونه احداث، توسعه، تغییر خط تولید و تغییر محل واحدهای تولیدی، صنعتی و معدنی باید با اجازه سازمان حفاظت از محیط زیست باشد و نیز مطابق ماده ۱۱ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست ۱۳۵۳ سازمان حفاظت از محیط زیست صلاحیت اتخاذ اقدام مثبت جهت جلوگیری از آلودگی محیط زیست را دارد و حتی می‌تواند از کار و فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی که آلوده‌کننده محیط زیست باشند، جلوگیری نماید. بنابراین دولت بر فعالیت آن‌ها نظارت دارد و چنانچه تخلفی رخ دهد، به موجب ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست و همچنین ماده ۱۸ قانون شکار و صید سازمان حفاظت محیط زیست که حافظ منافع عمومی و از سازمان‌های حقوق عمومی است می‌تواند به عنوان شاکی و یا مدعی خصوصی از آن‌ها شکایت نماید. ماده ۱۸ قانون شکار و صید مقرر داشته است: «در مورد جرائم مذکور در این قانون سازمان از حیث مطالبه ضرر و زیان ناشی از جرم بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود.» از طرف دیگر حقوق خصوصی نیز جهت حفظ حقوق انسان متضرر از زیان ناشی از تخریب محیط زیست ورود می‌یابد و در مواردی که علاوه بر طبیعت بر اشخاص نیز خسارت جسمی یا مادی ناشی از تخریب محیط

زیست وارد گردد، اشخاص می‌توانند مطابق قوانین مرتبط با مسؤولیت مدنی (از جمله ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی) جبران خسارت خود را مطالبه نمایند که از این جهت موضوع ذیل حقوق خصوصی قرار می‌گیرد.

همچنین علاوه بر زیان‌های جسمی و مادی که می‌تواند بر انسان‌ها به دلیل تخریب محیط زیست وارد آید، اگر خسارت زیست‌محیطی خسارت به حقوق بنادین بشریت محسوب گردد (اصل ۵۰ قانون اساسی) تعرض به آن می‌تواند از جانب هر شخصی در حقوق خصوصی مطرح شود و به عنوان خسارت معنوی وارد شده به احساس امنیت و آرامش افراد در جهان هستی قابل مطالبه باشد، چراکه محیط زیست بر احساسات و عواطف افراد تأثیر مستقیم دارد. با این وجود نباید فراموش کرد که از نظر فقها (۲۸) و حقوقدانان (۲۹) زیان مفهومی عرفی دارد و تنها در صورتی می‌توان این‌گونه خسارات را زیان محسوب نموده و از حقوق انتظار جبران آن‌ها را داشته باشد.

مبنای مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی

در خصوص مبنای مسؤولیت ناشی از زیان‌های زیست‌محیطی چند نظریه مطرح شده است که از میان آن‌ها نظریه تقصیر، سنتی‌ترین نظریه در مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی است. بر این اساس خسارات زیست‌محیطی قابل مطالبه نیست، مگر این‌که زیان دیده بتواند تقصیر عامل ورود خسارت را اثبات نماید که در این صورت عامل زیان مسؤولیت خواهد داشت (۳۰). برای اثبات تقصیر دو معیار شخصی و نوعی وجود دارد که حقوق ایران با توجه به ماده ۱۲۱۶ قانون مدنی معیار نوعی را پذیرفته است و همین که ثابت شود عامل زیان از رفتار انسان‌های متعارف تخطی کرده (حتی اگر توانایی تشخیص این تخطی را به دلیل صغر یا جنون نداشته باشد) ضامن و مسؤول می‌باشد. از جهت بار اثبات این زیان دیده است که باید به عنوان مدعی تقصیر، رابطه علیت بین تقصیر فاعل زیان و زیان‌های وارده را به اثبات برساند و اگر تقصیر اثبات نشود، مسؤولیتی متوجه عامل زیان نبوده و جبران زبانی قابل طرح نخواهد بود.

در انتقاد به این نظریه بیان شده که این نظریه نمی‌تواند سیاست‌های اصول حفاظت از محیط زیست و هدف اولیه آن را که پیشگیری از بروز خسارت است تأمین کند (۱۰) و پذیرش این نظریه امکان جبران بسیاری از خسارات زیست‌محیطی را دشوار می‌نماید، چراکه گاهی با

توجه به ماهیت خسارت زیست‌محیطی و زیان‌دیده آنکه صرفاً طبیعت است، شرط تحقق مسؤولیت مدنی، یعنی نقض مالکیت فردی فراهم نیست (۳۱) و اثبات تقصیر به دلیل ماهیت دوگانه خسارات زیست‌محیطی برخلاف سایر حوزه‌های حقوق خصوصی که در آن‌ها زیان‌دیده انسان است، مشکل می‌باشد. همچنین در مواردی تکثر آلوده‌کنندگان، انگیزه پایین قربانیان خسارات زیست‌محیطی برای مطالبه خساراتشان و مشکلات مربوط به اثبات رابطه سببیت مورد نیاز بر اساس نظریه تقصیر، امکان جبران خسارت زیست‌محیطی را دشوار می‌سازد (۳۲). برای اجتناب از این انتقادات برخی حقوقدانان با اشاره به ماده ۹۵۳ قانون مدنی که تقصیر را اعم از تعدی و تفریط دانسته است و با بیان این‌که ارتکاب خسارت زیست‌محیطی نوعی تجاوز از حد متعارف و تجاوز به حق دیگران است، قائل شده‌اند که صرف ورود خسارت‌های زیست‌محیطی موجب مسؤولیت مدنی شخص می‌گردد و به عنوان خطا و تقصیر تلقی می‌گردد و با دفاع از نظریه سنتی تقصیر برای توجیه این‌گونه خسارات، به نوعی «فرض تقصیر» برای مرتکبین خسارت زیست‌محیطی قائل شده‌اند (۳۳).

نظریه دیگری که به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی مطرح گردیده، نظریه خطر است. مطابق این نظریه نیازی به اثبات تقصیر آلوده‌کننده نیست، بلکه همین که شخصی اقدام به فعالیتی نماید که نفعی در آن داشته و منجر به آلودگی و تخریب محیط زیست گردد، باید از عهده خسارات وارده برآید، اعم از این‌که در واقع تقصیر داشته یا نداشته باشد. در واقع آلوده‌کننده محیط زیست بر اساس این نظریه «مسؤولیت عینی» در برابر خسارات زیست‌محیطی پیدا می‌کند. در مسؤولیت عینی خواننده در هر صورت مسؤول است، حتی اگر زیان ناشی از قوه قاهره باشد، مانند مسؤولیت غاصب برخلاف مسؤولیت محض که در آن خواننده با اثبات استناد زیان به قوه قاهره می‌تواند از مسؤولیت معاف شود.

این نظریه علی‌رغم این‌که ظاهراً مناسب برای حمایت از محیط زیست است، از جنبه‌های متعدد اقتصادی (ریسک فعالیت) و اجتماعی (کاهش انگیزه افراد در اجتماع) دارای انتقاد است، چراکه منجر به محدود نمودن فعالیت‌های اقتصادی و صنعتی و فعالیت‌های پرخطر اقتصادی می‌شود و اگر افراد مکلف به جبران کلیه خسارات ناشی از فعالیت خود باشند، بسیاری از مشاغل از ترس مسؤولیت کنار گذاشته می‌شود و در نهایت جامعه متضرر می‌شود.

در کنار دو نظریه شایع تقصیر و خطر برخی نظریات واسط نیز جهت تعدیل و تعامل دو نظریه تقصیر و خطر به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی مطرح گردیده‌اند، نظریاتی مانند تضمین حق، فرض تقصیر، نظریه کار نامتعارف، خطر در برابر انتفاع و نظریه مسؤولیت در برابر اشیای خطرناک (۳۲).

به نظر می‌رسد مبنای قابل دفاع و تضمین‌کننده حقوق زیان‌دیده به عنوان مبنای مسؤولیت مدنی «مبنای احترام» است که بیشتر با فقه امامیه و حقوق ایران سازگاری دارد.

مبنای احترام برگرفته از قاعده احترام می‌باشد که یک قاعده اصطیادی است و گرچه برخی مدرک اصلی این قاعده را بنای عقلا دانسته‌اند (۳۴)، اما این قاعده بیشتر از جانب فقها با تمرکز بر برخی روایات، مانند روایت «حرمة مال المسلم كحرمة دمه» (۳۵) استنتاج شده است (۳۶). مطابق این قاعده شارع مقدس در کنار توجه به نفس و جان انسان و حفظ حرمت آن برای مال نیز احترام قائل شده‌است و مطابق نظر شارع که در کلام فقها تجلی یافته مال انسان آنقدر محترم است که مصرف کردن آن در غیر اغراض دنیوی و اخروی جایز نیست (۱۱).

مطابق این نظریه محیط زیست در دسته اموال قرار می‌گیرد و لازمه احترام به اموال این است که خسارت بر آن‌ها وارد نشود و اگر هم خسارت وارد گردید، حکم وضعی ضمان دلالت بر لزوم جبران خسارت دارد. احترام همه اموال (از جمله محیط زیست) مطابق این نظریه گاهی به اعتبار تعلقی که به مالک دارد است و مال خودش بذاته ارزش و احترامی ندارد، بلکه به دلیل مالکیت انسان بر مال آن مال ارزش می‌یابد و گاهی ذات مال بدون توجه به ارتباط با مالک دارای ارزش بوده و از جانب شارع محترم است (۳۸).

در تطبیق این مسأله با بحث ما می‌توان قائل شد که با پذیرش مالیت محیط زیست (که مورد پذیرش فقها قرار گرفته است (۳۷))، تخریب محیط زیست تجاوز به اموال و مشترکات عمومی است که چه از حیث اضافه به مالک بدان نگریسته شود (که کل انسان‌ها و بشریت حاضر و آینده مالک محیط زیست هستند) و چه به اعتبار ارزش ذاتی که این اموال دارند، اگر مورد توجه قرار گیرند، در هر صورت این اموال احترام دارند و نظریه احترام می‌تواند مبنایی جهت حمایت از جبران خسارات وارد بر آن‌ها باشد.

پذیرش احترام به عنوان مبنای اصلی مسؤولیت مدنی که مورد پذیرش برخی نویسندگان نیز قرار گرفته است (۳۸)، مبتنی بر تضمین حق زیان‌دیده و لزوم جبران خسارت اوست و مانع

آن نیست که از جهت الزام زیان‌رساننده به جبران خسارت نیز مبنایی مبتنی بر نقش زیان‌رساننده در بروز خسارت وجود داشته باشد. به عبارت دیگر می‌توان قائل به مبنای مختلط مسؤولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی شد و یک مبنا را از جهت تضمین حق زیان‌دیده و مبنای دیگر را جهت سهولت جبران خسارت از ناحیه زیان‌رساننده پذیرفت. با این توضیح مبنای قابل قبول و مبتنی بر نقش زیان‌رساننده با توجه به ویژگی‌های خسارات زیست‌محیطی و فلسفه و هدف کلی حقوق در حمایت از محیط زیست، همان‌گونه که برخی گفته‌اند (۱۰)، نظریه مسؤولیت محض است. در مسؤولیت محض، برای خواننده فرض تقصیر می‌شود و زیان‌دیده از اثبات تقصیر وی معاف است و خواننده نیز تنها با اثبات استناد زیان به قوه قاهره می‌تواند از مسؤولیت معاف شود.

مطابق این نظریه نیازی به اثبات تقصیر زیان‌رساننده نمی‌باشد و صرف احراز رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل و ورود زیان برای مسؤولیت کفایت می‌کند. در واقع چون اثبات تقصیر عامل زیان در مسائل زیست‌محیطی برای زیان‌دیده دشوار و پرهزینه است، اگر تقصیر مبنای مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست باشد، دشواری این اثبات منجر به ادامه یافتن فعالیت کارفرمایان مخرب محیط زیست می‌شود و نمی‌توان به آسانی فعالیت آن‌ها را محدود نمود، لذا اتخاذ مبنای مسؤولیت محض بهتر می‌تواند حقوق زیان‌دیده زیست‌محیطی را تأمین نماید.

همچنین قدرت بازدارندگی مسؤولیت محض بیشتر از تقصیر است (۲۴) و چون هدف اولیه حقوق محیط زیست پیشگیری از ورود خسارت است و نه جبران آن و مسؤولیت مدنی در صورت عدم تأمین هدف مزبور وارد عمل می‌شود و به دنبال جبران خسارت است، پس با پذیرش مبنای مسؤولیت محض هدف حقوق محیط زیست، یعنی پیشگیری بهتر تأمین می‌شود، چون در این صورت افراد در استفاده از محیط زیست و پیشگیری از تخریب آن احتیاط بیشتری می‌نمایند و حاضرند سرمایه‌گذاری بیشتر نمایند تا مجبور به جبران خسارت بیشتر نشوند.

ارکان مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی

برای تشخیص مسؤولیت مدنی مرتبط با خسارات زیست‌محیطی وجود سه رکن ضروری است. زیان، فعل زیان‌بار و رابطه سببیت.

۱- زیان

اولین رکن لازم در مسؤولیت مدنی وجود ضرر است و واضح است تا خسارتی به وجود نیاید، وظیفه‌ای برای جبران وجود نخواهد داشت. زیان را از حیث موضوعی به سه قسم جسمی، مادی و معنوی تقسیم نموده‌اند (۳۹): ۱- ورود زیان در حوزه محیط زیست ممکن است به صورت زیان جسمی باشد، مانند زیان ناشی از بیماری‌های تنفسی یا قلبی و عروقی به دلیل آلودگی هوا یا آلودگی آب و خاک؛ ۲- همچنین می‌تواند به صورت زیان مادی باشد، مانند زبانی که به واسطه ریزگردها یا باران‌های اسیدی بر محصولات کشاورزی یک کشاورز وارد می‌گردد؛ ۳- نیز می‌تواند به صورت زیان معنوی باشد، مانند از دست دادن لذت بهره‌مندی و انتفاع از آب و هوای سالم یا محرومیت از مشاهده مناظر زیبای طبیعی و یا افسردگی و عصبانیت و پیداشدن احساسات منفی در اشخاص در اثر آلودگی هوا یا خاک.

از حیث زمانی، زیان به زیان فعلی و زیان آتی تقسیم شده است (۴۰). در خسارات زیست‌محیطی علاوه بر این که زیان فعلی قابل مطالبه است، زیان آتی نیز چنانچه مسلم باشد، قابلیت مطالبه دارد، مانند زیان وارده بر یک باغدار در جایی که مواد آلاینده‌ای که از کارخانه مجاور باغش متصاعد می‌شود، باعث از بین رفتن شکوفه‌های درختان میوه باغ گردیده و وی با عدم‌النفع مسلم و قطعی مواجه می‌گردد و حقوق در جبران خسارتش نباید تردید کند (۲۴). با توجه به هدفی که حقوق محیط زیست دنبال می‌کند که محیط زیست را میراث بشریت دانسته و آن را امانتی می‌داند که باید به سلامت به نسل بعد منتقل گردد، قابل مطالبه‌ندانستن زیان‌های آینده با این هدف سازگار نمی‌باشد و با توجه به این فلسفه و هدف عنصر مسلم بودن نیز نباید با دقت عقلی مورد توجه قرار گیرد و همین قدر که عرف زبانی را برای آیندگان قابل تصور بداند، کافی است تا مرتکب را مسؤول جبران قرار دهیم.

همچنین با توجه به ماهیت خسارات زیست‌محیطی نیز می‌توان زیان را به اعتبار یک یا چند زیان دیده‌داشتن به زیان فردی و جمعی تقسیم نمود. ضرر ناشی از خسارات زیست‌محیطی نوعاً زیان جمعی است و نه فردی مانند جایی که فردی به عمد یا غیر عمد، آب آشامیدنی یک روستا را از سرچشمه آلوده می‌نماید، با این وجود می‌توان زیان فردی هم در نظر گرفت، مانند آلوده کردن آب شرب یک منزل خاص.

زیان جمعی را نیز به صورت زیان جمعی مجموعی و زیان جمعی استغراقی می‌توان به تصویر کشید. در زیان فردی یک فرد زیان دیده خسارت زیست‌محیطی است. در زیان جمعی مجموعی یک مجموعه و گروه به صورت کلی زیان دیده محسوب می‌گردند. در اینجا مخاطب زیان تولیدی مجموع افراد کشور یا شهر هستند، یک زیان رخ داده و زیان دیده یک گروه است و زیان به تعداد افراد منقسم نمی‌گردد، مانند جایی که کوه‌خواری یک نفر منظره طبیعی یک روستا نازیا می‌سازد که یک زیان جمعی است، هرچند ممکن است برخی اهالی آن روستا از این حیث احساس زیان نداشته باشند، اما در زیان جمعی استغراقی تک‌تک افراد دچار زیان می‌گردند و زیان به تعداد افراد جمع تقسیم می‌گردد، مانند موردی که ده خانوار در یک روستا زندگی می‌کنند و به دلیل مواد آلاینده کارخانه مجاور همه دچار آسم یا سرطان می‌گردند.

ذکر این نکته ضروری است که چون عرف در تشخیص زیان و احراز آن نقش اساسی دارد (۲۸)، برخی از خسارت‌های زیست‌محیطی هرچند زیان هستند، اما اجتناب‌ناپذیرند و عرف چنین زیان‌هایی را قابل مطالبه نمی‌داند. امروزه رشد جمعیت کره زمین خود یک خسارت زیست‌محیطی است، چراکه به دلیل اقتضات ناشی از این رشد بهره‌برداری از منابع طبیعی، مانند درختان جنگل، شیلات دریاها و... بیشتر شده است. برخی از منابع تجدیدناپذیر انرژی در طبیعت کم شده‌اند که همه این‌ها زیان به محیط زیست است.

۲- فعل زیان‌بار و تقصیر

دومین رکن مسؤولیت مدنی ارتکاب فعلی زیان‌آور است، با این شرط که این فعل مشروع نباشد (۴۰). در حوزه مسؤولیت مدنی ناشی از تخریب محیط زیست نیز مانند سایر موارد مسؤولیت مدنی فعل زیان‌بار می‌تواند به صورت ایجابی و با ارتکاب فعل و یا به صورت سلبی و با ترک فعل بروز یابد. بنابراین همان‌گونه که بریدن درختان جنگل فعل زیان‌بار محسوب می‌شود، از بین‌بردن گیاهان هرزی که باعث خشک‌شدن درختان جنگل می‌شوند نیز از جانب متولیان، گرچه ترک فعل است، اما زیان‌بار محسوب شده و مسؤولیت در پی خواهد داشت.

با توجه به مفهومی که از محیط زیست گذشت، می‌توان گفت هر نوع فعل یا ترک فعلی که به آب یا زمین یا زیستگاه‌های طبیعی بشر (مراعات، جنگل‌ها، کوه‌ها و...) خسارت وارد نماید، فعل زیان‌بار محسوب می‌شود.

مصادیق فعل زیان‌بار نسبت به محیط زیست گاهی محسوس و ظاهری است و گاهی نامحسوس و غیر ظاهری. از مصادیق تخریب ظاهری قطع درختان و آلوده کردن آب رودخانه‌ها و دریاها، آلوده کردن هوا و از بین جنگل‌ها و مزارع است و از مصادیق تخریب غیر محسوس می‌توان به از بین رفتن بافت خاک به دلیل استفاده از سموم، از بین رفتن خواص میوه‌ها، از بین رفتن خواص شیلات به دلیل ورود برخی آلاینده‌ها به دریا، از بین رفتن مناظر طبیعی، تغییرات آب و هوایی، تخریب لایه ازن و پدیده «ال نینو» نام برد (۵۴).

فعل زیان‌بار تخریب یا آلوده نمودن محیط زیست می‌تواند توسط شخص حقیقی یا حقوقی (کارخانجات، کارگاه‌ها، بیمارستان‌ها، دولت، شهرداری، شرکت‌های تجاری، انجمن‌ها و...) ارتکاب یابد.

چنانچه بند «ث» آیین‌نامه قانون جلوگیری از آلودگی هوا، هر شخص حقیقی که اداره یا تصدی منابع مولد آلودگی را خواه برای خودش و خواه به نمایندگی از طرف شخص حقوقی بر عهده داشته باشد را «آلوده‌کننده» هوا معرفی کرده بود و هم‌اکنون مطابق بند «ث» ماده ۱ آیین‌نامه اجرایی ماده ۲۹ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۷/۶/۲۱ هیأت وزیران عامل آلودگی صوتی را: «هر شخص حقیقی یا حقوقی که اداره یا تصدی منابع و کانون‌های آلودگی صوتی را بر عهده داشته باشد» معرفی نموده است.

بدیهی است چنانچه دولت از طریق زیرمجموعه‌ها و کارکنانش در تخریب محیط زیست نقش داشته باشد، مسأله تابع ماده ۱۱ قانون مسئولیت مدنی و احراز تقصیر شخصی یا اداری کارمند و نیز بحث اعمال حاکمیتی یا تصدی بودن رفتار دولت می‌باشد که در فصل مربوط به مسئولیت مدنی دولت تفصیل آن گذشت.

در قوانین مختلف ممنوعیت تخریب محیط زیست مورد تأکید قرار گرفته است، از جمله مطابق ماده ۶۸۸ قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵: «هر اقدامی که تهدید علیه بهداشت عمومی شناخته شود... ممنوع می‌باشد و مرتکبین چنانچه طبق قوانین خاص مشمول مجاز شدیدتری نباشند، به حبس تا یک سال محکوم خواهند شد» و طبق تبصره ۱ همین ماده تشخیص این که اقدام مزبور تهدید علیه بهداشت عمومی و آلودگی محیط زیست شناخته می‌شود یا خیر و نیز اعلام جرم مذکور به عهده وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان حفاظت محیط زیست می‌باشد.

مطابق ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ و تبصره ۲ آن صاحبان و مسؤولین کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده علاوه بر مجازات نقدی ملزم به جبران خسارات وارده به محیط زیست می‌باشند و علاوه بر اشخاص حقیقی و حقوق سازمان حفاظت محیط زیست بر حسب مورد شاکی یا مدعی خصوصی در زمینه خسارات وارده به محیط زیست می‌باشد.

در مواد ۱۱ و ۱۲ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ نیز برای آلوده‌کنندگان هوا مجازات مقرر شده است و علاوه بر مجازات مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱ واحد تولیدی، معدنی، صنعتی، خدماتی یا کارگاهی آلوده‌کننده علاوه بر جریمه موظف به جبران خسارت گردیده است. فعل زیان‌بار نسبت به محیط زیست در قوانین مختلف دیگر نیز نسبت به شکار و صید، نسبت به آب‌ها و زمین و سایر مصادیق محیط زیست از سوی قانونگذار مورد اهتمام قرار گرفته است که جهت رعایت اختصار از آن‌ها می‌گذریم.

۳- رابطه سببیت

سومین رکن تحقق مسؤولیت مدنی، رابطه سببیت است، بدین معنا که باید زیان وارده بر شخص متضرر ناشی از فعل زیان‌بار زیان‌رساننده باشد. باید دانست مقصود از وجود این رابطه، رابطه سببیت فلسفی مدنظر نیست و منظور احراز رابطه سببیت عرفی می‌باشد (۳۹).

چون اصولاً اثبات رابطه سببیت بر عهده زیان‌دیده است و در دعوی مسؤولیت مدنی زیست‌محیطی بر علیه آلوده‌کنندگان، خصوصاً علیه صنایع آلاینده نیاز به علم و آگاهی فنی و تخصص خاص می‌باشد که خواهان نوعاً از آن بی‌اطلاع است. همچنین به دلیل این‌که معمولاً زیان‌های زیست‌محیطی به خصوص زیان‌های وارده بر جسم انسان‌ها خیلی دیر خود را نشان می‌دهند و ممکن است بعد از سال‌ها پزشک به آن‌ها پی ببرد. جنبه مهم خسارت‌های زیست‌محیطی خاصیت «دیرپایی» آن‌ها است که باعث می‌شود ذرات خسارت در طول زمان شکل گرفته و مدت‌ها پس از ایجاد آن نمایان شود که در نتیجه انتساب رابطه سببیت به عامل ورود زیان بسیار دشوار می‌شود. بدین‌دلیل علمای حقوق محیط زیست پیشنهاد داده‌اند که ادعای وجود رابطه سببیت از جانب زیان‌دیده به صرف احتمال بالا و زیاد میسر باشد و از آن طرف متهم زیان‌رسانی موظف باشد، خسارت‌بار نمودن عمل خود را اثبات نماید تا از جبران خسارت معاف گردد (۲۴). همچنین با پذیرش «مسؤولیت محض» به عنوان مبنای قابل قبول

مسئولیت مدنی در خسارات زیست‌محیطی، نیازی به اثبات تقصیر زیان‌رساننده نمی‌باشد و صرف اثبات ورود زیان بر خواهان وی را مستحق جبران خسارت می‌نماید و این وظیفه خواننده است که ثابت نماید مرتکب تقصیر نشده است.

با توجه به ماهیت خسارات زیست‌محیطی امکان تعدد اسباب مختلف در بروز خسارت‌های زیست‌محیطی زیاد است. امروزه با وجود آمدن شهرک‌های صنعتی در اطراف شهرهای بزرگ، خسارات زیست‌محیطی ناشی از دود این کارخانه‌ها بر کشاورزی، مراتع و درختان آن منطقه بسیار شایع و محتمل است. اتومبیل‌های مختلفی که تولید دود می‌کنند و علاوه بر آلودگی هوا، مانع دید شهروندان جز در روزهای تعطیل از مشاهده مناظر طبیعی شهرشان می‌گردند، هر یک سببی از میان اسباب متعدد در بروز خسارت‌های جسمی (مرگ و میرهای ناشی از آلودگی هوا) و معنوی (افسردگی‌ها، عصبانیت‌ها و...) می‌باشند. دولت با صدور مجوز راه اندازی برخی کارخانه‌ها و کارگاه‌های آلوده‌کننده و شهرداری‌ها با صدور مجوز قطع درختان یا احداث ساختمان‌ها و اماکن مخرب محیط زیست نیز می‌توانند یک سبب بروز خسارت در میان اسباب متعدد باشد.

شیوه‌های جبران خسارت‌های زیست‌محیطی

هر چند حقوق محیط زیست بیشتر به دنبال پیشگیری از خسارت زیست‌محیطی است، اما چنانچه این هدف محقق نشود و خسارتی وارد آید، نوبت به مسئولیت مدنی می‌رسد و مهم‌ترین هدف مسئولیت مدنی جبران خسارت زیان‌دیده است و مطابق مواد ۱ و ۲ قانون مسئولیت مدنی زیان‌رساننده ملزم به جبران خسارت‌های مختلفی است که بر زیان‌دیده وارد نموده است و به موجب ماده ۳ همان قانون دادگاه میزان و طریقه جبران خسارت را با توجه به اوضاع و احوال باید تعیین نماید. برای جبران خسارت زیان‌دیده شیوه‌های زیر به ترتیب قابل اعمال است:

۱- از بین بردن منبع زیان

در جایی که زیانی استمرار داشته باشد، خواسته اولیه زیان‌دیده قطع منبع ایجاد ضرر است. این روش جنبه پیشگیرانه داشته و اقداماتی مانند تعطیل، تخریب و انتقال اماکن آلاینده، اصلاح سیستم‌های تهویه و پخش آلاینده‌ها و... را شامل می‌شود. به همین دلیل در خصوص خسارت‌های زیست‌محیطی صدور دستور موقت برای جلوگیری از استمرار خسارت راه‌کاری

قدیمی برای جلوگیری از گسترش خسارت و تهدید سلامت عمومی می‌باشد که در مواردی که نیاز به اقدام فوری است باید توسط قاضی صادر گردد تا زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان از این پس خسارت بیشتری متحمل نگردند (۳). به موجب ماده ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مصوب ۱۳۵۳ صاحبان یا مسؤولان کارخانجات و کارگاه‌هایی که موجبات آلودگی محیط زیست را فراهم می‌کنند: «مکلفند به محض ابلاغ دستور سازمان، کار یا فعالیت ممنوع شده را متوقف و تعطیل نمایند. ادامه کار یا فعالیت مزبور منوط به اجازه سازمان یا رأی دادگاه صلاحیتدار خواهد بود...» بدیهی است این شیوه به تنهایی جبران خسارت زیان‌دیده محسوب نمی‌شود، اما از نظر زمانی مرحله‌ای مقدم بر شیوه‌های جبران خسارت می‌باشد.

۲- برگرداندن وضع به حالت سابق

بازگرداندن وضع زیان‌دیده یا زیان‌دیدگان به حالت اولیه بهترین شیوه جبران خسارت در مسؤولیت مدنی محسوب می‌شود. بدین‌صورت که ضرر واردشده چنان جبران و تدارک شود که گویی از اصل هیچ‌زیانی به بار نیامده است. ماده ۳۲۹ قانون مدنی این شیوه را مقدم نموده و مقرر داشته است: «اگر کسی خانه یا بنای کسی را خراب کند باید آن را به مثل صورت اول بنا نماید و اگر ممکن نباشد باید از عهده قیمت برآید.»

اعاده وضع به حالت سابق می‌تواند از طریق ترمیم یا احیا و پاکسازی محیط زیست صورت پذیرد. به عنوان نمونه مجبورکردن شخص به جمع‌آوری زباله‌هایی که در طبیعت ریخته است، اعاده طبیعت به حالت اولیه است یا اجبار منحرف‌کننده آب رودخانه یا چشمه به بازگرداندن آب به مسیر اصلی‌اش نیز از این قبیل است. با این وجود در برخی موارد امکان توسل به این بهترین شیوه جبران خسارت نمی‌باشد، مثلاً در جایی که شخص زباله جامدی را داخل رودخانه منبع شرب یک روستا انداخته، می‌توان وی را ملزم به برداشتن آن نمود، اما این عمل در جایی که زباله مایع در آب ریخته شده باشد، دیگر امکان‌پذیر نمی‌باشد.

۳- جبران خسارت از طریق معادل

چنانچه شیوه اول به هر دلیل امکان‌پذیر نباشد، زیان‌دیده غالباً تمایل به دریافت معادل دارد. این روش در مواردی استفاده می‌شود که امکان جبران عینی ممکن نیست یا طرفین تراضی به جبران به معادل نموده‌اند، مانند جایی که زیان‌رساننده درختان کهنسال جنگل را قطع نموده و از چوبشان استفاده نموده باشد که با توجه به ناممکن بودن غرس مجدد آن‌ها

قاضی می‌تواند علاوه بر حکم به دریافت غرامت چوب درختان به نفع بیت‌المال، وی را ملزم به غرس درختانی به تعداد درختانی که قطع کرده نماید.

۴- جبران خسارت از طریق پرداخت‌های مالی

در مقابل شیوه‌های غیر مالی که گذشت، شیوه دیگری که برای جبران وجود دارد، شیوه پرداخت وجه است. در تبصره ۲ ماده ۲۹ قانون جلوگیری از آلودگی هوا آمده بود: «صاحبان و مسؤولان این‌گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی و حقوقی به حکم دادگاه صالح می‌باشند» و با نسخ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا و جایگزینی قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ نیز قانونگذار به جبران خسارت حکم نموده است و در تبصره ۲ ماده ۱۱ مقرر می‌دارد: «متخلفان از مصوبات و تصمیمات سازمان و کمیسیون (در صورت بررسی در کمیسیون) ضمن پرداخت جریمه رفع آلاینده‌گی، مکلف به جبران خسارت وارده می‌باشند». همچنین در بند «د» از ماده ۴۵ قانون وصول برخی از درآمدهای دولت و مصرف آن در موارد معین مصوب ۱۳۷۳ آمده است: «به منظور فراهم‌نمودن امکانات و تجهیزات لازم جهت پیشگیری و جلوگیری از آلودگی ناشی از صنایع آلوده‌کننده، کارخانه‌ها و کارگاه‌ها موظفند یک در هزار از فروش تولیدات خود را با تشخیص و تحت نظر سازمان حفاظت محیط زیست صرف کنترل آلودگی‌ها و جبران زیان ناشی از آلودگی‌ها و ایجاد فضای سبز نمایند» و مطابق ماده ۱۹ قانون مدیریت پسماندها مصوب ۱۳۸۳ بسته به این‌که زیان‌دیده شخص حقیقی یا حقوقی باشد، مرجع قضایی مرتکبین را علاوه بر پرداخت جریمه به نفع صندوق دولت، به پرداخت خسارت به اشخاص و یا جبران خسارت وارده بنا به درخواست دستگاه مسؤول محکوم خواهد نمود.

مرجع صالح جهت رسیدگی به دعاوی مسؤولیت مدنی خسارات زیست‌محیطی

در مواردی که در قوانین مختلف برای مرتکبان فعل زیان‌بار علاوه بر جبران خسارت مجازات در نظر گرفته شده، با توجه به مجازات در نظر گرفته‌شده دادگاه صالح جهت رسیدگی دادگاه کیفری یک یا دو می‌باشد. به موجب ماده ۳۰۲ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ در مواردی که جرائم ارتكابی موجب حبس ابد یا موجب مجازات تعزیری درجه سه و بالاتر باشد، فقط دادگاه کیفری یک صلاحیت رسیدگی دارد و سایر موارد در صلاحیت دادگاه کیفری یک

خواهد بود و دادگاه کیفری ضمن محکومیت زبان‌رساننده می‌تواند به موجب ماده ۱۴ قانون آیین دادرسی کیفری ۱۳۹۲ حکم به جبران خسارت نماید.

به عنوان نمونه مطابق تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک مصوب ۱۳۹۶ چنانچه تخلفی از ناحیه یک واحد تولیدی، صنعتی یا خدماتی یا کارگاهی نسبت به آلودگی هوا رخ دهد و برخلاف مصوبات سازمان حفاظت محیط زیست چنین واحدی احداث گردد یا فعالیت نماید، متخلف علاوه بر جریمه رفع آلاینده‌گی مکلف به جبران خسارت است و در صورت عدم جبران و یا تمرد از تصمیم مراجع ذی‌ربط با شکایت اداره کل محیط زیست متخلف به مرجع قضایی معرفی می‌شود و با حکم این مرجع به جزای نقدی درجه چهار موضوع ماده ۱۹ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲/۲/۱ محکوم می‌شود.

همچنین باید توجه داشت که به دلیل این‌که محیط زیست بخشی از انفال و اموال عمومی محسوب می‌شود و شوراهای حل اختلاف به موجب بند «ت» از ماده ۱۰ قانون شوراهای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به دعاوی مرتبط با اموال عمومی را ندارند. بنابراین شوراهای حل اختلاف صلاحیت رسیدگی به این دعاوی را در هر صورت ندارند. فلسفه این امر این است که شوراهای حل اختلاف جهت صلح دعاوی تشکیل شده‌اند و با توجه به اصل ۱۳۹ قانون اساسی صلح دعاوی راجع به اموال عمومی و دولتی یا ارجاع آن‌ها به داوری موکول به تصویب هیأت وزیران و با اطلاع مجلس شورای اسلامی است (۴۱).

در مواردی که مرتبط با نظم عمومی و حفاظت از اموال عمومی است که سازمان حفاظت محیط زیست به موجب ماده ۱۸ قانون شکار و صید و نیز ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست به عنوان شاکی یا مدعی خصوصی اقدام به شکایت و طرح موضوع در دادگاه می‌نماید، به دلیل منافع عموم امکان گذشت شاکی وجود ندارد و دادگاه کیفری رسیدگی می‌نماید، البته در مواردی قانونگذار اجازه گذشت را به مقام صلاحیتدار داده است، از جمله در ماده ۵۹ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع آمده است: «رییس سازمان جنگلبانی یا نمایندگان که از طرف نام برده، به موجب حکم کتبی تعیین می‌شوند، مجازند نسبت به جرائمی که طبق مفاد این قانون جنحه باشد، به استثنای موارد مذکور در ماده ۴۹ و تبصره‌های ۱ و ۲ ماده ۵۲ با وصول جرائم و خسارات از تعقیب جزایی متهم فقط برای یک مرتبه صرف نظر کنند و تعقیب مرتکب منوط بشکایت رییس یا نماینده سازمان مزبور است»، اما در مواردی

که شخص خصوصی طرف دعوا باشد و تنها تقاضای جبران خسارت داشته باشد و اعلام جرم ننماید دادگاه‌های حقوقی به موجب ماده ۱۰ قانون آیین دادرسی مدنی ۱۳۷۹ صلاحیت رسیدگی دارند.

در صورتی که خسارت به محیط زیست از ناحیه دستگاه‌های دولتی باشد، زیان‌دیده شخص خصوصی باشد، وی جهت مطالبه خسارت باید به دیوان عدالت اداری مراجعه نماید و همان‌گونه که در فصل مربوط به مسئولیت مدنی دولت گفته شد، از موارد صلاحیت دیوان عدالت اداری رسیدگی به دعاوی مسئولیت مدنی دولت و مستخدمین آن نسبت به زیان‌های ناشی از اعمال و تصمیمات اداری است و هرگونه خسارت ناشی از اعمال و اقدامات و تصمیمات اداری دولت و مستخدمین او قابل مطالبه است. با توجه به بند ۲ ماده ۱۰ قانون تشکیلات و آیین دادرسی دیوان عدالت اداری ۱۳۹۲ رسیدگی به دعاوی راجع به اقدامات اداری مربوط به آن دسته از اعمال و اقداماتی است که به علت سوءاستفاده مقام دولتی از اختیارات قانونی‌اش یا نقض قوانین یا عدم صالحیت مقام تصمیم‌گیرنده یا عامل صورت پذیرفته است و به اشخاص خصوصی زیان رسیده باشد. بنابراین رسیدگی دیوان محدود به اعمال تقصیرآمیز دولت است و بعد از تصدیق خطای اداری دولت مطابق تبصره ۱ ماده ۱۰، حکم مبنی بر محکومیت دولت به جبران خسارت بر عهده دادگاه عمومی می‌باشد. در مواردی که مبنای مسئولیت دولت تقصیر نباشد، دیوان عدالت اداری نقشی در رسیدگی به دعوا ندارد و زیان‌دیده می‌تواند برای جبران خسارت خود در مرجع عمومی بر ضد دولت طرح دعوا کند، بدون آنکه ابتدا الزامی به طرح دعوا در دیوان عدالت اداری داشته باشد.

در صورتی که متخلف یک سازمان دولتی باشد و سازمان حفاظت محیط زیست به موجب مواد ۱۱ و ۱۲ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست در جایگاه شاکی و مدعی خصوصی قرار گیرد، چون این سازمان زیر نظر قوه مجریه است و دعاوی که از سوی آن طرح می‌شود، دعاوی دولت محسوب می‌گردد، اگر طرف دعوا نیز واحد دولتی باشد و نتوانند از طریق مذاکره یا با نظر مقام بالاتر یا هیأت وزیران مسأله را حل و فصل نمایند رسیدگی به پرونده مطابق رأی وحدت رویه هیأت عمومی دیوان عالی کشور به شماره ۵۱۶ مورخ ۱۳۷۶/۱۰/۲۰ در مورد صلاحیت عام مراجع دادگستری در رسیدگی به دعاوی دستگاه‌های دولتی علیه یکدیگر در صلاحیت دادگاه‌های عمومی می‌باشد.

در خصوص خسارت‌های قابل مطالبه نیز باید توجه داشت که در قوانین مربوط به محیط زیست برخی خسارت‌ها قابل مطالبه دانسته شده است، مثلاً تبصره اول ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا مصوب ۱۳۷۴ مقرر می‌داشت: «صاحبان و مسؤولان این‌گونه کارخانه‌ها و کارگاه‌ها آلوده‌کننده علاوه بر محکومیت مذکور مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و اشخاص حقیقی می‌باشند.» شبیه همین مقرر در تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک ۱۳۹۶ یا در ماده ۱۳ قانون حفاظت دریا و رودخانه‌های مرزی از آلودگی با مواد نفتی مصوب ۱۳۵۴ آمده است.

با توجه به این مقررات و مقررات مشابهی که در قوانین متعدد و فراوان حافظ محیط زیست آمده است، می‌توان قائل به تفکیک شد و گفت خسارت‌های خالص زیست‌محیطی (خسارت به طبیعت و نه اشخاص) در صورتی که صریحاً در قوانین خاص مربوط به حفاظت از محیط زیست قابل مطالبه دانسته شده است، قابل مطالبه می‌باشند و متولی شکایت و طرح موضوع در دادگاه سازمان حفاظت محیط زیست و یا سازمان مربوطه دیگری است که تخریب در حیطه فعالیت آن صورت گرفته است. ماده ۱۴ قانون حفاظت و بهسازی محیط زیست مقرر می‌دارد: «در مورد جرائم مقرر در این قانون سازمان حسب مورد شاکی و یا مدعی خصوصی شناخته می‌شود» در کنار سازمان حفاظت محیط زیست سازمان متولی بعد خاص مرتبط با محیط زیست نیز صلاحیت طرح دعوا دارد، مثلاً سازمان جنگل‌ها و مراتع خسارت وارده بر مراتع را مطالبه نماید، همان‌گونه که مطابق بند ۴ ماده ۲۳ قانون حفاظت و بهره‌برداری از جنگل‌ها و مراتع رییس سازمان جنگلبانی نمایندگی دولت در مورد کلیه دعاوی مربوط به سازمان جنگلبانی و مراتع در مراجع اداری و قضایی و مؤسسات خصوصی اعم از داخلی و خارجی... را دارد.

اما در خصوص خسارت‌هایی که بر اشخاص خصوصی وارد گردیده است، یعنی خسارت‌های سنتی (خسارت‌های زیست‌محیطی وارده بر اشخاص یا اموال) علاوه بر این که امکان استناد آن‌ها به مواد کلی مسؤولیت مدنی از جمله ماده ۱ قانون مسؤولیت مدنی وجود دارد، چنانچه در قوانین خاص نیز جبران خسارت آن‌ها پیش‌بینی شده باشد، می‌توانند به آن قانون خاص استناد نمایند، مانند آنچه در تبصره ۲ ماده ۱۱ قانون هوای پاک آمده است یا در ماده ۲۹ قانون نحوه جلوگیری از آلودگی هوا گفته شده بود که: «صاحبان و مسؤولان این‌گونه کارخانجات و کارگاه‌های آلوده‌کننده... مکلف به پرداخت ضرر و زیان وارده به محیط زیست و

اشخاص حقیقی و حقوقی هستند.» بنابراین اشخاصی که در اثر اقدامات علیه محیط زیست متحمل خسارت‌هایی شده باشند، چه ضرر و زیان مالی باشد و چه زیان غیر مالی و جسمانی چون ذی‌نفع هستند، می‌توانند دعاوی مسؤولیت مدنی اقامه کنند.

نتیجه‌گیری

مسؤولیت ناشی از تخریب محیط زیست دارای ماهیت دوگانه حقوق عمومی و خصوصی است. از جهتی چون دولت بر فعالیت‌های مختلف تولیدی و صنعتی نظارت دارد و می‌تواند از کار و فعالیت کارخانه‌ها و کارگاه‌های تولیدی و صنعتی که آلوده‌کننده محیط زیست باشند، جلوگیری نموده و به عنوان شاکی و یا مدعی خصوصی از مخربان طبیعت شکایت نماید، زیرمجموعه حقوق عمومی قرار می‌گیرد و از جهت دیگر در مواردی که علاوه بر طبیعت بر اشخاص نیز خسارت جسمی یا مادی وارد گردد، اشخاص می‌توانند مطابق قوانین مرتبط با مسؤولیت مدنی جبران خسارت خود را مطالبه نمایند که از این جهت موضوع ذیل حقوق خصوصی قرار می‌گیرد.

مبنای مسؤولیت مدنی ناشی از خسارات زیست‌محیطی با توجه به ویژگی‌های خسارات زیست‌محیطی و فلسفه و هدف کلی حقوق در حمایت از محیط زیست، نظریه مسؤولیت محض است و نیازی به اثبات تقصیر نمی‌باشد، بلکه صرف احراز رابطه سببیت میان فعل یا ترک فعل و ورود زیان برای مسؤولیت زیان‌رساننده کفایت می‌کند. از حیث لزوم جبران خسارت زیان‌دیده نیز مبنای قابل پذیرش احترام است و چه زیان‌دیده انسان باشد و چه صرف طبیعت باشد، احترام هریک لزوم جبران خسارتشان را توجیه می‌نماید.

References

1. Maluf L. Al-Munjid al-Abjadi. Translated by Bostani Q. Tehran: Faghih Publications; 1994. Vol.2 p.1542.
2. Amid H. Amid dictionary. Tehran: Sepehr Publications; 1992. Vol.2 p.1774.
3. Shelton DK. Alexandre Charles. Translated by Abdollahi M. Judicial handbook on environmental law. Tehran: Khorsandi Publications; 2005. p.40, 139.
4. Honari M. Environment and Development. Environmental Journal 1983; 1(3): 15-30.
5. Ghavam MA. Penal protection of the environment. 1st ed. Tehran: Environmental Organization; 1996. p.5.
6. Fahimi A. Environmental Liability for Environmental Damage in Jurisprudence and Iranian Law. 1st ed. Qom: Institute of Culture and Islamic Sciences Publications; 2012. p.105, 114, 256.
7. Erfanmanesh M, Afyuni M. Environmental Pollution: Water, Soil and Air. 2nd ed. Tehran: Arkan Publications; 2003. p.1, 3.
8. Taghizadeh Ansari M. Environmental Law in Iran. 2nd ed. Tehran: Samt Publications; 2008.
9. Jafari Langroudi MJ. Terminology of Law. 6th ed. Tehran: Ganj-e Danesh Publications; 1995.
10. Katouzian N, Ansari M. Liability for Environmental Damage. Law Journal of Faculty of Law and Political Science, University of Tehran 2008; 38(2): 285-313.
11. Najafi MH. Jawahir al-Kalam fi Sharh Sharai' al-Islam. 7th ed. Beirut: Dār Ihyā' al-Turāth al-'Arabī; 1981. Vol.4 190-220; Vol.22 p.344-352; Vol.38 p.17.
12. Khomeini SR. Kitāb al-Bay. 1st ed. Qom: The Institute for Compilation and Publication of Imam Khomeini's Works; No Date. Vol.1 p.123.
13. Javadi Amoli A. Islam and the Environment. 1st ed. Qom: Esra Publications; 2009. p.84-85.

14. Soleimani I, Raei M, Vaezi SH. The principles of the right on environment in the Imamiya figh. Quarterly in Biological Ethics 2016; 6(19): 76-100.
15. Qurtubi M. Al-Jamī' li-'Aḥkām. Beirut: Dar al-Kotob al-Ilmiyah; 1988. Vol.7 p.227.
16. Al-Mohaddith Al-Noori MH. Mustadrak al-Wasā'il wa-Mustanbat al-Masā'il. Beirut: Al-Albit Institute (AS); 1987. Vol.13 p.460.
17. Al-Hurr al-Amili M. Wasā'il al-Shī'a. 1st ed. Qom: Al al-bit Institute of Qom; 1988. Vol.11 p.15, 19, 39, 59, 461.
18. Allamah Al-Hilli H. Tadhkirat al-Fuqahā. 1st ed. Qom: Al-Albit Institute (AS); No Date. Vol.1 p.192.
19. Harrani E. Tuhaf al-Uqul. Corrected by Ghaffari AA. Qom: Society of Seminary Teachers of Qom Publications; 1984. p.320.
20. Al-Shahid Al-Thani Z. Masalik al-Afham fi sharh shara'i' al-Islam. 1st ed. Qom: Al-Maref al-Islamiyah Institute; 1992. Vol.3 p.25.
21. Mohaqeq al-Karaki A. Jame al-Maghased fi Sharh al-Ghavaed. 2nd ed. Qom: Al-Albit Institute (AS); 1993. Vol.3 p.412.
22. Khomeini R. Tahrir al-Wasilah. 1st ed. Qom: Dar al-Elam Institute; No Date. Vol.2 p.603.
23. Katouzian N. Introduction to the Science of Law. Tehran: Eqbal Publications; 1985. p.14.
24. Entezari Najafabadi AR. Civil Liability for Environmental Damage. 1st ed. Tehran: Mokhatab Publication; 2015. p.83-84, 211, 217, 260.
25. Pojman L. Environmental Ethics. Translated by Translators Group. Tehran: Tose'e Publication; 2005. Vol.1 p.102.
26. Barry J. Environment and Social Theory. Translated by Pouyan H, Tavakoli N. Tehran: Department of Environment; 2001. Vol.1 p.303.
27. Amir Al-Mu'minin. Nahj al-Balagha, sermon 167. 1st ed. Qom: Mashhur; 2000. p.544.
28. Makarem Shirazi N. Al-Qawaidul Fiqhiyyah. 1st ed. Qom: Matbaol Hikmah; No Date. Vol.1 p.49.

29. Safaei SH, Rahimi H. Civil Liability (non-contractual obligations). 2nd ed. Tehran: SAMT Publications; 2011.
30. Bahrami H, Fahimi A. The Basis of Environmental Civil liability in Iranian Jurisprudence and Law. Journal of Islamic Law Research 2007; 1(2): 121-150.
31. Khoini G, Karami S. Civil Liability for Environmental Pollution in Anfal. Journal of Civil Law Knowledge 2014; 3(1): 59-70.
32. Fahimi A, Mashhadi A. Shi'ah Jurisprudence and Evolution in the Fundamentals of Environmental Civil Liability. Law Quarterly 2011; 41(1): 313-326.
33. Ghasemi N, Heidari F. Compensation of Environmental Damages in the View of Civil Law. Encyclopedia of Law and Politics 2014; 10(2): 67-88.
34. Mohaghegh Damad SM. The rules of Islamic Jurisprudence. Tehran: Islamic Science Publishing Center; 1406. Vol.1 p.213.
35. Al-Kulayni AJ. Kitab al-Kafi. Qom: Dar al-Hadith; 1986. Vol.4 p.88.
36. Houshmand Firouzabadi H. Possibility of Derivative Guarantee from Validity Evidence of Respect. Journal of Religion and Law 2017; 5(16): 99-124.
37. Bojnourdi SH. Al-Qawaidul Fiqhiyyah. Qom: Al-Hadi Publications; 1998. Vol.2 p.30.
38. Hekmatnia M, Hooshmand H. Quranic Evidence of Civil Responsibility. Journal of Quran, Jurisprudence and Islamic Law 2015; 1(2): 91-116.
39. Katoozian N. Non-Contractual Obligations, Extracontractual Obligations. 8th ed. Tehran: Tehran University Press; 2007. p.165, 244.
40. Barikloo AR. Civil Liability. 6th ed. Tehran: Mizan Publications; 2015. p.81, 99.
41. Hemmati M. Filing an action for environmental damages in Iran's legal system. The Quarterly Review of Judicial Law 2018; 23(81): 221-253.